

بررسی نیاز انسان به پذیرش در قرآن کریم با تأکید بر روش میدان معنایی

چکیده

پذیرش نیازی جهان‌شمول است و گستره‌ی زندگی انسان را در برمی‌گیرد. ضربه به این نیاز طرح‌واره‌های ناسازگاری را ایجاد می‌کند و تأمین این نیاز، احساس دریافت محبت، حمایت و معناداری را افزایش می‌دهد. هدف از این پژوهش، بررسی نیاز انسان به پذیرش در قرآن کریم است. روش اصلی این پژوهش کیفی است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش ساخت‌گرایی و راهکار بررسی میدان معنایی صورت گرفت. برای این منظور، نمونه‌های تحقیق یعنی آیات مرتبط با اشتقاق‌های ریشه‌ی «رحم» و «عذب»، در نرم‌افزار مکس کیودا نسخه‌ی ۱۲ وارد شدند. کار کدگذاری همراه با تحلیل محتوا، به روش داده‌بنیاد و با مقوله‌بندی‌های مختلف انجام گرفت. یافته‌های پژوهش برای این دو ریشه، بیانگر فراوانی ۹۰۰ کد مرتبط با مفهوم پذیرش است که اهتمام قرآن به این نیاز را نشان می‌دهد. تحلیل یافته‌های پژوهش به چهار سطح از پذیرش برای تأمین این نیاز رسیده است؛ پذیرش خداوند، پیامبر و رهبران الهی، جامعه و خانواده. پذیرش انسان‌ها در قرآن کریم بر اساس چارچوبی صورت می‌گیرد که تحلیل واژه‌ی مقابل رحمت یعنی عذاب، سهم عمده‌ای از آن را تبیین می‌کند. پذیرش خداوند عام است و همگان را شامل می‌شود؛ این پذیرش بر اساس چارچوب مشخصی صورت می‌گیرد که به حالت تعادل میان ترس و امید در انسان منتج می‌شود؛ در نتیجه، پذیرش به طیفی از مهربانی اشاره دارد که پایین‌ترین سطح آن، شامل نیاز انسان به توجه مثبت و پذیرفته شدن مهربانانه نزد دیگران است. هم‌نشین‌های عذاب نیز چارچوب این پذیرش را مشخص می‌کنند.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۴
از صفحه ۲۰۹ تا صفحه ۲۳۲

جعفر علیگلی
دانشجوی دکتری
firouzjahi@gmail.com

محمد مهدی صفورایی پاریزی
دانشیار جامعه المصطفی
saforaie@gmail.com

علیرضا قائمی نیا
دانشیار دانشگاه باقر العلوم
qaeminia@gmail.com

واژگان کلیدی:

قرآن، رحمت، عذاب، پذیرش، معناشناسی ساخت‌گرا، روش داده‌بنیاد.

نیاز^۱ در روان‌شناسی هر چیزی است که نوعی کمبود و نقص باشد و برای بقا یا بهزیستی ارگانیزم ضروری به‌شمار آید؛ همچنین برای رفع آن در فرد، انگیزه ایجاد کند؛ مانند کمبود غذا، آب، اکسیژن و نیازهای غیرجسمانی مانند پذیرش و محبت، احترام، آزادی و محدودیت‌های واقع‌بینانه و غیره (ماتسوموتو، ۲۰۰۹، ص ۳۲۸). نیازها به‌صورت انگیزه‌هایی برای انواعی از رفتارها درمی‌آیند و رفتارها نیز به منزله‌ی بازتابی از نیازها محسوب می‌شوند (کارور و شی‌پر، ۱۹۹۲، ص ۹۹). نیاز به پیوند و پذیرش^۲ ازجمله نیازهای بنیادین انسان است. منظور از پذیرش، داشتن ارتباطی ایمنی‌بخش، گرم و باثبات، همراه با توجه مثبت با موضوع دل‌بستگی است (یانگ و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۵). پیشینه‌ی مفهوم پذیرش در روانشناسی، به فریود برمی‌گردد، هنگامی که اظهار داشت: پیوند عاطفی نوباوه با مادر، مبنای همه‌ی روابط بعدی است (برک^۳، ۱۳۹۰، ص ۲۷۳). همچنین او مطرح کرد ایجاد حس اعتماد و امید در انسان‌ها، به دریافت پذیرش و محبت از منابع حمایتی فرد برمی‌گردد که بخش عمده‌ای از آن، به تجربیات اولیه کودکی بستگی دارد (پروچاسکا و نورکراس، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

پذیرش در ادامه، به‌عنوان یک اصل اصلاحی-درمانی، موردتوجه نظریات مختلف روان‌شناسی قرارگرفته و با عناوین نزدیک به هم ذکرشده است: هورنای^۴، آن را تحت عنوان نیاز به «محبت» و «تصویب وجهه» ذکر می‌کند. مزلو^۵ پس از تأمین نیازهای جسمانی و ایمنی، نیاز به تعلق و محبت را مهم‌ترین نیاز می‌داند. راجرز انسان‌ها را نیازمند توجه مثبت غیرمشروط^۶ می‌داند؛ نیازی که در همه پایدار و در همه‌ی سنین جریان دارد. توجه مثبت، شامل پذیرفتن بازخوردها و برخوردهای گرم و محبت‌آمیز، صمیمیت، عشق و تأیید از سوی دیگران است و در دوران نوزادی، بیشتر از جانب مادر نمود دارد. در حقیقت، برای نوزاد که رفتارهای آینده‌ی او به‌وسیله‌ی میزان دریافت این محبت و عشق هدایت می‌شود، امری حیاتی است (شولتز، ۱۳۸۹، ص ۴۰۱). در رویکرد انسان‌گرایی راجرز، پذیرش، به معنای تأیید دیدگاه فرد مراجعه‌کننده یا اعمال وی و موافقت با او نیست، بلکه درمانگر، مراجع را به‌عنوان یک انسان و با ارزش‌های یک انسان می‌پذیرد و برای رفتارها و افکار احتمالی نامطلوب وی جای بحث می‌گذارد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۳۶۵، ص ۱۶۰). البته پذیرش غیرمشروط به معنای بی‌قانونی فضای والدگری یا مشاوره نیست؛ پذیرش اگر کاملاً غیرمشروط باشد احتمال آسیب بسیار بالا خواهد بود. جایی که تهدید یا آسیب علیه مراجع، مشاور یا دیگر اشخاص مطرح باشد و یا اینکه مراجع استانداردهای مشاوره‌ای را قبول نداشته باشد، برخوردی انسانی و قانونی صورت می‌گیرد (برنارد، ۲۰۱۳، ص ۴۷).

1- Need

2- Acceptance

3- Berk.L

4- Karen Horney

5- Abraham Maslow

6- Unconditional Positive Regard

موج سوم درمان شناختی-رفتاری که در ادامه شکل گرفت، با عنوان درمان مبتنی بر پذیرش (ACT) شناخته می‌شود و پذیرش خود، دیگران و محیط را جزو اهداف اصلی درمانی برمی‌شمارد. این رویکرد، پذیرش را این‌چنین تعریف می‌کند: برقراری ارتباط گرم با یک منبع برانگیزاننده‌ی درونی یا بیرونی که به جای رفتارهای گریز، اجتناب یا پرخاشگری، رفتار پذیرش‌گری همراه با چارچوب‌های منطقی را فراهم می‌آورد (هیس و پنکی،^۱ ۲۰۰۳). این رویکرد علاوه بر پذیرش دیگران، پذیرش خود^۲ را نیز بخش مهمی از فرایند اصلاح و درمان می‌داند.

اصلاح و درمان در نظریه طرح‌واره‌ای^۳، به‌عنوان یکی از نظریات متأخر روانشناسی با پذیرش مراجع آغاز می‌شود؛ یعنی رابطه‌ای سالم، توأم با تفاهم^۴، همدلی^۵، گرمی^۶ و صداقت^۷ با مراجع برقرار می‌شود (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱۱). بر اساس این نظریه، چنانچه در دوران کودکی، تعامل میان خلق‌وخوی^۸ فطری کودک و محیط اولیه، به‌جای تأمین نیازهای اساسی، به ناکارآمدی آنها منجر می‌شود و کنش والدین و محیط اجتماعی در حد بهینه و مطلوب نباشد، در این صورت، کودک مستعد ایجاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌گردد (همان، ص ۳۳). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان و ساختارهای شناختی باثباتی، شامل باورهایی درباره‌ی خود، دیگران و محیط هستند که از ارضاء نشدن نیازهای اولیه، به‌ویژه «نیازهای هیجانی اساسی»^۹ در دوره کودکی، سرچشمه می‌گیرند (فری، ۱۳۸۸، ص ۴۰). طرح‌واره‌ها ممکن است پیش از آنکه کودک زبان بیاموزد، شکل بگیرند و اغلب، نفوذ خود را بر سیستم پردازش اطلاعات در زیر آستانه هوشیاری اعمال می‌کنند (امانی و دیگران، ۱۳۹۰). اولین نیاز معرفی‌شده در این نظریه، نیاز انسان به دل‌بستگی^{۱۰} ایمن به دیگران است که شامل نیاز به پذیرش، امنیت، ثبات و محبت است (یانگ و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۳). آسیب به این نیاز، سطوحی از هیجان برآمده از افکار بنیادین را منتشر می‌کنند که مستقیم یا غیرمستقیم، به اشکال مختلفی از آشفتگی‌ها نظیر افسردگی، اضطراب و تعارض‌های بین‌فردی منجر می‌شوند (یوسف‌نژاد و پیوسته‌گر، ۱۳۹۰، ص ۵۸). آنها به‌واسطه‌ی ارتباط و تأثیری که بر سبک دل‌بستگی، اختلال‌های شخصیت و اختلال‌های خلق می‌گذارند، می‌توانند به تعارض‌های زناشویی منجر گردند (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۲). مطالب بالا بیانگر این موضوع است که پذیرش در همه‌ی نظریات، جزء مهم تربیت، اصلاح

1- Hayes, s. c. & Pankey

2- Self Acceptance

3- Schema Therapy

4- Rapport

5- Empathy

6- Warmth

7- Genuineness

8- Temperament

9- Core emotional needs

10- Attachment

و درمان به‌شمار آمده است. پذیرش نوعی توجه مثبت و مهربانی است که فرد پذیرفته‌شده یا کنش‌های او را همان‌گونه که هست، با همه‌ی خوبی‌ها و نقص‌ها می‌پذیرند و به خود یا گروه راه می‌دهند و با ادامه‌ی رابطه‌ی عاطفی، پذیرش بیشتری ارائه می‌شود. هرچند بعضی از نظریات، پذیرش غیرمشروط را مطرح کرده‌اند اما شرط آسیب نرساندن به خود و دیگران و دیگر محدودیت‌های منطقی، جزو محدودیت‌های مفروض پذیرش در نظر گرفته می‌شود.

قرآن کریم انسان را موجودی نیازمند معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵). این نیازها در کودکی و همچنین در سنین کهولت بیشتر هستند: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ...» (روم، ۵۴). اسلام دین پذیرش و محبت است و درهای آن نسبت به هر روی آورنده‌ای باز است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۵). سبک زندگی پیامبر و اهل‌بیت^(ع) نیز بر پذیرش و محبت بوده و پیروان را به این امر سفارش می‌کردند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۲۵) و در این موضوع، نسبت به کودکان و اعضاء خانواده تأکید ویژه‌ای داشته و ازجمله‌ی حقوق آنان دانسته‌اند (نک: رساله حقوق امام سجاد، صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۵). باین‌حال، مهربانی و پذیرش بدون چارچوب و محدودیت‌های واقع‌بینانه، مانعی در مسیر رشد است و احتمال آسیب را بالا می‌برد، همچنان که افراط در محدودیت‌ها و غیرواقع‌بینانه بودن آنها نیز آسیب‌زاست (اعرافی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۹). این تحقیق به دنبال برداشت دیدگاه قرآن کریم درباره‌ی نیاز انسان به پذیرش و چارچوب این پذیرش است. «رحمت» بارزترین واژه‌ی کلیدی است که مفهوم پذیرش و مهربانی را در کلام عرب و قرآن نشان می‌دهد و بیشترین فراوانی این مفهوم در قرآن کریم به ریشه‌ی «رحم» اختصاص یافته است (قرشی به نقل از زمخشری و طوسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۶۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۹۳). درک مفهوم یک واژه از متکلم، هنگامی امکان‌پذیر است که همه‌ی کاربردهای آن واژه در جهان‌بینی گوینده بررسی شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۸۴). از سوی دیگر، فهم یک واژه و ویژگی‌های آن، بدون بررسی مفهومی واژگان متقابل، تقریباً ناممکن یا ناقص خواهد بود؛ ارزش معنایی واژه‌ها معمولاً با در نظر گرفتن ارزش مفهوم مقابل آنها تعیین می‌شود (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۱۴)؛ ازاین‌رو، تحقیق حاضر کاربردهای ریشه‌ی «عذب» را نیز بررسی می‌کند. در معناسازی قرآن، «عذاب» در ۱۴ مورد مقابل «رحمت» و در ۱۲ مورد مقابل «مغفرت» قرارگرفته است. این تقابل، ارتباط معناشناسی این دو واژه را نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن مطالب بالا و با توجه به این نکته که پژوهش مستقلی درباره‌ی نیاز انسان به پذیرش در قرآن کریم صورت نگرفته، پرسش اصلی این پژوهش، بررسی مفهوم پذیرش در قرآن کریم به‌عنوان یک نیاز بر پایه‌ی واژگان کلیدی «رحمت و عذاب» است. پرسش فرعی این پژوهش بررسی منابع، ویژگی‌ها و راهکارهای تأمین این نیاز از نگاه قرآن است. برای این منظور، پس از تبیین دیدگاه‌های روانشناسی معاصر درباره‌ی این نیاز، پذیرش را در قرآن با روش معناشناسی ساخت‌گرا جست‌وجو خواهد کرد و با روش داده‌بنیاد تحلیل می‌کند.

روش تحقیق

هدف از این پژوهش، بررسی مفهوم‌پردازی قرآن کریم به موضوع نیاز انسان به پذیرش است. برای این منظور، تحقیق حاضر از روش معناشناسی ساخت‌گرا و راهکار بررسی «میدان معنایی»^۱ برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌کند. میدان معنایی، مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی است که بیانگر حوزه‌ی مشخصی از تجربه هستند. فهم یک واژه منوط به درک روابط آن با همه‌ی واژگان مرتبط درون یک حوزه است (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۱۵). در این روش برای یافتن میدان معنایی، مراحل ذیل در نظر گرفته می‌شود: ۱. فهم ابتدایی واژه با جستجوی معنای اساسی و سپس نسبی؛ ۲. پیدا کردن واژگان کلیدی متن اعم از مترادف‌ها (جانشین‌ها) و مفاهیم مقابل و همچنین شناخت واژه‌ی کانونی؛ ۳. پیدا کردن تصویری یا مجموعه‌ی کلی از مفهوم با کمک چینی معنادار (مطیع و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۹). طبق این روش، معنای واژه در یک ساخت ارتباطی میان واژه‌ها و البته به‌صورت روابط هم‌نشینی و جانشینی^۲ و رابطه‌ی متقابل قابل‌برداشت خواهد بود. مفهوم هم‌نشینی چیزی جز ارتباط یک عنصر زبانی با سایر عناصر تشکیل‌دهنده‌ی زبان نیست آنهایی که در یک زنجیره‌ی زبانی و به شکل رابطه‌ی افقی مورد اشاره قرار می‌گیرند. درحالی‌که اصطلاح جانشینی رابطه‌ی یک عنصر با سایر عناصری است که می‌توانند به جای آن به‌کاربرده شوند یا جایگزین شوند و به رابطه‌ی عمودی اشاره دارد (پالمر، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹). در این پژوهش، روابط هم‌نشینی، جانشینی و تقابلِ کليدواژگانی تحلیل می‌شوند که میدان معنایی پذیرش را در متن قرآن کریم می‌رسانند.

این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از نظریه‌ی داده‌بنیاد^۳ استفاده می‌کند. پژوهشگر کیفی در این روش قادر خواهد بود نظریه‌ای واقعی مبتنی بر جزئی‌ترین داده‌ها بنا کند؛ تمرکز این نظریه بر اکتشاف نظریه است. برای این منظور، داده‌های تحقیق برای رسیدن به مرحله‌ای از شناخت از موضوع، به شکل نظام‌مند گردآوری و تحلیل می‌شوند (اشتراوس و گلیزر، ۱۹۶۷، ص ۲۱). یکی از ویژگی‌های روش داده‌بنیاد، غیرخطی و حلزونی بودن داده‌اندوزی و همچنین داده‌پردازی است؛ یعنی محقق بر واژه، موضوع یا فردی که بیشترین فراوانی یا توافق مفهومی را با پرسش پژوهش دارد، شروع به کار کیفی می‌کند. به تدریج و به‌صورت پلکانی^۴ یا گلوله‌برفی^۵ به پرسش، واژه‌ی کلیدی یا فرد بعدی هدایت می‌شود. تا جایی که در داده‌اندوزی و داده‌پردازی به اشباع نظری برسد (فراست‌خواه، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸)؛ یعنی داده‌های بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگ‌تر شدن یا اضافه شدن به نظریه موجود گردد، نیازی به افزودن آنها به پژوهش نباشد (بازرگان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱-۱۱۳). تحقیق حاضر برداشتی از پژوهش بزرگ‌تر

1- Semantic Field

2- Syntagmatic Axis and Paradigmatic Axis

۳- Grounded Theory این راه‌برد با نام‌های نظریه یا تئوری زمینه‌ای، برپایه، بنیادی، مبنایی، برخاسته از داده‌ها، مبتنی بر داده‌ها، نظریه‌سازی، مفهوم‌سازی بنیادی، رویش نظریه و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نیز شناخته می‌شود.

4- Incremental

5- Snowball

درباره‌ی الگوی نیازهای انسان در قرآن کریم است و موضوع تحقیق حاضر زیرمجموعه‌ی نیاز انسان به ارتباط و دل‌بستگی قرار دارد. با توجه به حجم مقاله، نمونه‌های این پژوهش، سیاق آیات مرتبط با دو ریشه‌ی مهم یعنی «رحم» و «عذب» هستند. به نظر می‌رسد این دو ریشه، اشباع نظری و ارائه‌ی نظریه قرآن کریم درباره‌ی نیاز به پذیرش را تأمین می‌کند که زیرمجموعه‌ی نیاز به ارتباط و دل‌بستگی است. تحلیل متن در نظریه‌ی داده‌بنیاد، در قالب مقوله‌هایی صورت می‌گیرد که علاوه بر کمک به معناشناسی، تحلیل زبانی گوینده را به شکل منظم امکان‌پذیر می‌سازد. جمع‌بندی مقولات در پایان پژوهش، نگاه جامع‌تری به موضوع را نتیجه می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳). مقولاتی استفاده‌شده در این پژوهش، از این قرارند: مقوله‌ی اصلی، علت، راهکارها، صفت، فاعل، مفعول و غیره. آیاتی که در متن به آنها اشاره می‌شود، کدهای شاخص یا سرنمونه‌هایی از مقولات استخراج شده هستند.

مطمئن‌ترین روش در شرح آیات، راه‌یابی به عمق معنای واژگان قرآن است که راه را برای تبیین مراد خدای حکیم هموار می‌سازد. واژگان یک متن، نشانه‌هایی هستند که خواننده را به مفهوم‌سازی گوینده یا نویسنده دلالت می‌کنند و مراد او را برای مخاطب روشن می‌سازند. قرآن نیز از این قاعده مستثنا نیست. خداوند جهان‌بینی و معناسازی خود از انسان و نیازهای او را به کمک واژگان و در قالب ساختارهایی به تصویر کشیده است؛ یعنی هر آنچه نیاز انسان به آن بیشتر است، با اهمیت بیشتری به آن پرداخته و به ترتیب، به نیازهای سطح پایین‌تر کمتر توجه شده است.^۱ دانش زبان‌شناسی روش‌های متعددی را برای تشخیص اهمیت و برجستگی یک موضوع نزد متکلم یا فرهنگ ارائه می‌دهد؛ از قبیل بررسی بسامد، ارتباط مفاهیم، استعاره‌های مفهومی و ریخت‌شناختی (لنگ‌اکر، ۲۰۰۶، ص ۶۶). بررسی بسامد بر این اصل استوار است که هر چه تکرار و تنوع واژگان در یک میدان معنایی بیشتر باشد، تکیه‌ی متکلم یا فرهنگ، به همان اندازه بیشتر است؛ به عبارت دیگر، بسامد بالاتر یکی از نشانگان اهمیت آن حوزه‌ی مفهومی در جهان‌بینی گوینده است (اورشله و همکاران، ۲۰۰۴؛ نصرتی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹۸). پژوهش حاضر به منظور تشخیص اهمیت نیاز انسان به پذیرش در قرآن کریم، از راهکار بررسی بسامد استفاده می‌کند.

داده‌های این تحقیق از واژگان کلیدی بالا، از نرم‌افزارهای «جامع التفاسیر» نسخه‌ی ۳ و «ذکر» نسخه‌ی ۱/۱، برداشت شده و در نرم‌افزار مکس کیودا^۲ نسخه‌ی ۱۲ وارد شده‌اند و کار کدگذاری و سپس مقوله‌بندی‌های مختلف صورت گرفت.^۳

یافته‌های پژوهش

چنانکه گذشت، پژوهش حاضر با توجه به حجم مقاله، ریشه‌های «رحم» و «عذب» را بررسی می‌کند که با موضوع پذیرش مرتبط هستند.

۱- طبق این معیار، نیاز به معنای زندگی و نیازهای معنوی، بیشترین فراوانی و اهمیت را به خود اختصاص می‌دهند.

2- MaxQDA

۳- داده‌های این پژوهش به دفتر مجله ارسال شده است.

معناشناسی ریشه‌ی «رحم» در قرآن

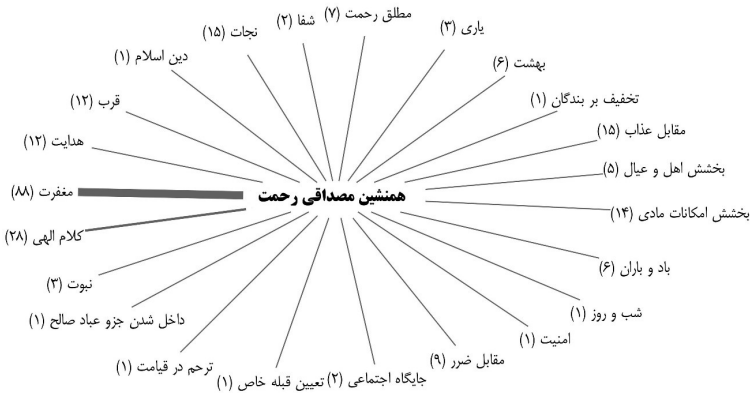
«رحمت» در لغت، به معنای رِقَّت، عطفوت و احسان همراه با شفقت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۳۱۱؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۲۹). رِقَّت به معنای نرم شدن دل (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۶۱) و عطفوت به معنای توجه مهربانانه به سوی کسی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۶۹). علامه طباطبائی (۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۵۰) درباره‌ی «رحمت» می‌نویسد: «رحمت به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده‌ی محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند او را از محرومیت نجات دهد و نقصش را رفع کند»؛ بنابراین، رحمت به معنای مهربانی و توجه مثبت است و با محبت و دوستی مترادف نیست، هرچند هر محبتی از مهربانی و توجه مثبت اولیه برانگیخته می‌شود (کاشفی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۹۲). پذیرش خداوند و پیامبران در کلیدواژه‌ی «رحمت»، به معنای شمول احسان و شفقت ایشان نسبت به همه‌ی موجودات اعم از انسان و غیرانسان و مؤمن و کافر است که مفسرین از آن به «رحمت‌عام» تعبیر می‌کنند. رحمت‌عام خداوند توجه مثبتی است که از مهربانی ذاتی او نسبت به مخلوقاتش برمی‌آید. هرکه بیشتر روی آورد، پذیرش و رحمت بیشتری دریافت می‌کند و جزو مؤمنین می‌شود تا جایی که شایسته‌ی دریافت «رحمت‌خاص» و سپس محبت خداوند می‌گردد؛ اما افرادی که به اسلام روی نیاوردند، هرچند رحمت‌عام الهی را در دنیا دریافت می‌کنند؛ اما در آخرت باید پاسخ‌گوی این مهربانی‌های الهی باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۰۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۲۵).

معنای مادی و اولیه‌ی «رحمت» از «رَحِم» مادر گرفته شده است. به خویشاوند «رَحِم» گفته می‌شود؛ زیرا از یک رحم به دنیا آمده‌اند و به سبب این ارتباط نزدیک، دیدن مهربانی یا نامهربانی از خویشاوندان، اثر قوی‌تری بر روان می‌گذارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۳۴). اولین طرح‌واره‌های مفهومی مهربانی برای انسان از دامان مادر با گرفتن شیر، نوازش، تعلق و وابستگی شکل می‌گیرد. راغب ارتباط رحمت الهی را با معنای مادی آن، مستند به کلام پیامبر^(ص) این‌گونه می‌آورد: «خداوند زمانی که «رَحِم» را خلق کرد، خطاب به او گفت: نام تو را از نام «رحمان» خودم برگزیدم. هر که به رحم خود وصل شد، من نیز به او وصل می‌شوم و هرکه رابطه را قطع کرد، من نیز قطع می‌کنم» (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۴۷).

ریشه‌ی «رحم» ۵۶۳ مورد در قرآن، به شکل‌های مختلف به کار گرفته شده که از نظر فراوانی دهمین ریشه‌ی پرکاربرد در قرآن است. از این فراوانی، ۱۵۷ کد برای «رحمان» و ۱۴۶ کد درباره‌ی «رحیم» هستند که هرکدام ۱۱۴ بار در «بسمله» استعمال شده‌اند؛ در نتیجه، غیر از اشتقاق «رحمان» و «رحیم»، دیگر مشتقات «رحم» به ۲۶۰ مورد می‌رسند. بررسی نشان می‌دهد که معنای مهربانی و شفقت، در ۵۴۰ کد از این ریشه به کار رفته است و سایرین در معنای مادی، مانند رحم زن وارد شده‌اند. تحلیل دقیق‌تر ریشه‌ی «رحم» به بررسی و مقوله‌بندی‌های مختلف بستگی دارد که ادامه‌ی پژوهش به آن می‌پردازد.

کدگذاری هم‌نشین‌های رحمت در مقوله‌ی مصادیق، در نمودار زیر قابل‌مشاهده است. در میان این هم‌نشین‌ها، مغفرت به سبب فراوانی ۸۸ کد، بارزترین مصداق پذیرش و رحمت به‌شمار

می‌آید؛ مانند: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر، ۵۳). این موضوع نشان می‌دهد با رشد ویژگی مهربانی، بخشش نیز بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر، مؤلفه‌ی مهم در بخشش، داشتن قلبی نرم و مهربان است. آیه‌ی بالا، مهربانی، پذیرش و بخشندگی نامحدود خداوند را نشان می‌دهد و هرکسی خالصانه به درگاه خدا برگردد، از سوی او پذیرفته می‌شود و خطاهایش را می‌بخشد.



نمودار ۱. هم‌نشین‌های رحمت در مقوله‌ی مصداق.

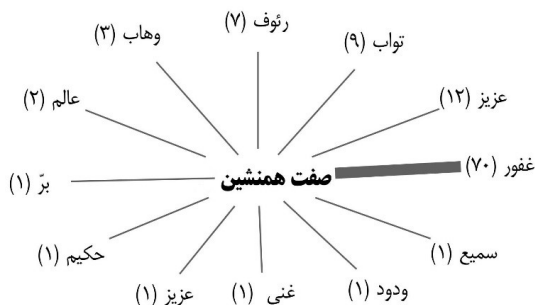
نمودار بالا نشان می‌دهد که مصداقی معنایی رحمت در یک پیوستار قرار دارند. یک سوی آن (از سمت راست نمودار) بخشش نیازها و امکانات مادی مانند بخشش امکانات مادی، اهل و عیال، باد و باران، جایگاه اجتماعی و غیره مطرح هستند و در سوی دیگر که فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده، توجه‌های معنوی مانند مغفرت، فرستادن کلام خدا و پیامبر، هدایت، مقام قرب الهی و غیره قرار دارند.

معناسازی رحمت در برخی آیات، با استعاره و به شکل طرح‌واره‌ی حرکتی^۱ و حجمی^۲ نشان داده شده است. خداوند در نه کد، رحمت را به صورت یک ظرف مفهوم‌سازی می‌کند که مؤمنین و پیامبران را از وضعیتی نامطلوب خارج کرده (حرکت) و در ظرف رحمت داخل می‌سازد (یدخل فی؛ حجم). در این موارد، نوعی مسیر خیالی^۳ وجود دارد؛ یعنی وضعیت نامطلوب، زمینه‌ای برای حرکت خیالی برای خارج شدن از آن و وارد شدن «در رحمت» (ظرف) می‌شود. در صحنه‌ی واقع، شاید خارج شدن و داخل شدن دیده نشود؛ اما خداوند با این استعاره، رهایی آنان از وضعیت نامطلوب را به شکلی حرکت می‌بخشد، به صورتی که از وضعیت نامطلوب خارج و «داخل» یک ظرف به نام رحمت شدند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۲۰). در موضوع مقاله، مانند «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ

1- Containment schemas
2- Path schemas
3- Imaginary path

وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَذُنُّهُمْ فِي رَحْمَتِي» (توبه، ۹۹) اعراب بادیه‌نشین با تصوّر نزدیک شدن به خداوند انفاق داشتند و خداوند نیز با استعاره‌ی حرکتی رسیدن به «قُرب»، عمل آنان را تأیید می‌کند. سپس ادامه می‌دهد که آنان را در ظرف رحمت خودش داخل می‌کند و به تعبیر دیگر، آنان را در مهربانی خود غرق می‌سازد. در این آیه، نزدیک بودن به خدا و «داخل» شدن در ظرف مهربانی خدا، جزو پیامدهای مطلوبی معرفی می‌شوند که با طرح‌واره‌ی نخستین انسان‌ها هماهنگ است؛ قرار گرفتن در آغوش مهربانی و پذیرش نامشروط مادر، اولین طرح‌واره‌ی مطلوب یا نیاز بنیادین است که انسان در کنش‌های نخستین خود، از جهان هستی می‌گیرد و دوست دارد همواره در پذیرش و محبت غرق باشد.

صفات هم‌نشین رحیم، مقوله‌ی بعدی است که معناسازی و معناشناسی رحمت را روشن‌تر می‌سازند. نمودار زیر فراوانی کدهای این صفات را نشان می‌دهد.

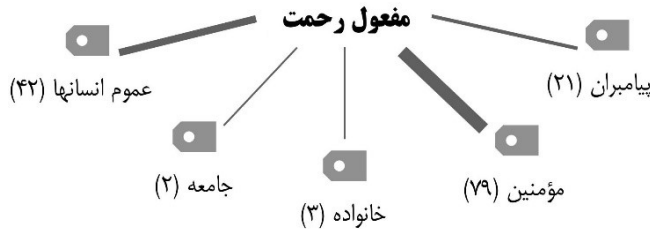


نمودار ۲. هم‌نشین‌های رحمت در مقوله صفات «رحیم».

همایندی رحمت با مغفرت و گذشت در این نمودار، نشان‌دهنده‌ی فرایند تأمین نیاز انسان به توجه مثبت و پذیرش است. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: انسان‌ها به واسطه‌ی آگاهی نداشتن از تأثیر افعال خود و نقص‌هایی که دارند، در رابطه‌ی خود با انسان‌ها و خداوند مرتکب خطاهایی می‌شوند؛ از این رو، نیازمند بخشش و پذیرش مجدد هستند که خداوند در آیات متعددی، پذیرش خود را در غالب بخشش و مغفرت متذکر می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۰ و ج ۴، ص ۳۷۹ و ۳۸۸). بخشش خداوند از مهربانی و رحمت او برمی‌آید، چنانکه بر اساس نمودار بالا، مغفرت (۷۰ مورد غفور و ۹ مورد توأب) با مفهوم «رحمت» هم‌نشین شده است.

بدون گذشت و با همراه داشتن نارضایتی‌ها، توجه مثبت درونی شکل نمی‌گیرد و پذیرش دیگری ممکن نمی‌شود و بدون پذیرش، اعضاء خانواده یا جامعه، غریبه‌هایی در کنار یکدیگر خواهند بود. نمودار زیر نشانگر هم‌نشین‌های «رحم» در مقوله‌ی مفعول است. بر اساس نمودار زیر، خداوند در ۴۲ کد، رحمت و پذیرش عام خود را برای همه‌ی انسان‌ها اعلام می‌دارد؛ مانند «أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونََّهُ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده، ۷۴). چنین گذشت و پذیرشی سبب می‌شود تا همه‌ی انسان‌ها به پذیرش الهی امید داشته باشند و هرکسی که به خداوند روی آورد، بخشش خطاها و پذیرش الهی را شامل حال خود ببیند و به رشد خود امیدوار باشد و از سوی دیگر، نیاز انسان

به مهربانی تأمین شود. این پذیرش و مهربانی عام الهی آموزش می‌دهد تا انسان‌ها نیز هم‌نوع خود را بپذیرند و همان‌گونه که می‌آید، با در نظر گرفتن معیارهای روشن، گذشته‌ی روی آوردن‌ها را نادیده بگیرند.



مودار ۳. هم‌نشین‌های رحمت در مقوله‌ی مفعول همراه با فراوانی.

مطابق با شکل بالا، بافتی که رحمت الهی در آن ابراز داشته شده، برای مؤمنین تقریباً دو برابر غیر ایشان است. قابل‌توجه است که این دو برابری، در بسامد رحمت نیز به همین میزان است، چنانکه می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ... (حدید، ۲۸)؛ ای اهل ایمان! از خدا بترسید و به پیامبر او ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمت خود را به شما عطا کند.»

نکته‌ی مهم بعدی در شکل بالا، وجود لایه‌های متعدد «رحمت» برای تأمین نیاز انسان به پذیرش و مهربانی است. بیشترین ابراز رحمت و پذیرش در قرآن، مخصوص خداوند آمده؛ زیرا در ۴۰۰ کد، فاعل رحمت قرار گرفته است. خداوند خالق مهربانی و منبع تمام‌نشدن پذیرش است. شش بار از خداوند به‌عنوان «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» یا «خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» یاد شده است. درباره‌ی پیامبر، ۳ کد در مقوله‌ی فاعلی اختصاص پیدا کرده است که دو مورد از آن، مخصوص مؤمنین است؛ مانند «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) و یک مورد به مهربانی و پذیرش واسع‌ی ایشان نسبت به همه‌ی انسان‌ها اشاره دارد: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷).

لایه‌ی بعدی پذیرش و رحمت، در خانواده و روابط زوجین ترسیم شده است، چنانکه خداوند می‌فرماید: «و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و رحمت نهاد» (روم، ۲۱). از دید علامه طباطبائی، «رحمت» میان همسران بدین معناست که ضعف‌های یکدیگر را می‌پوشانند، به‌ویژه رحمتی که والدین به فرزندان نشان می‌دهند و اگر این رحمت نبود، نسل به‌کلی منقطع می‌شد و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۵۱). تفاوت‌های فردی، خانوادگی و جنسیتی به همراه روابط نزدیک اعضا، انتظارات و مانند این‌ها ممکن است تنش را در خانواده پدید آورد؛ اما با پذیرش رحيمانه‌ی یکدیگر و طرد نکردن، نه‌تنها نقص‌ها، خود را نشان نمی‌دهند، بلکه عاملی برای افزایش محبت و درنهایت، سبب افزایش آرامش درونی و بین‌فردی می‌شوند.

سطح بعدی، به رحمت و پذیرش در جامعه و روابط میان مسلمانان اختصاص دارد، چنانکه می‌فرماید:

۱- وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً

«سپس از آنانی باشند که ایمان می‌آورند و همدیگر را به شکیبایی و رحمت (پذیرش) سفارش می‌کنند» (بلد، ۱۷). عبارت «تواصوا» نشان می‌دهد که مطلوب خداوند، ایجاد جریان اجتماعی است تا با رعایت و حفظ این اصول، پیوندهای اجتماعی محکم‌تر شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۳۲).

خداوند نوعی تصویرسازی را از رحمت و مفهوم مقابل آن عذاب ارائه می‌دهد که در آن، بخشش رحمت یا عذاب را به اختیار خود می‌گیرد و انسان‌ها را میان ترس و امید نگاه می‌دارد و برای کسی تضمین رحمت یا رستگاری نمی‌دهد؛ مانند «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَسْأُ يَرْحَمَكُمْ أَوْ إِنَّ يَسْأُ يُعَذِّبَكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا» (اسراء، ۵۴). این معناسازی از رحمت این فکر را تقویت می‌کند که رحمت مادی و غیرمادی خداوند، برای همگان همواره جریان دارد؛ اما چنانچه درخواست‌های الهی برآورده نشود، از رحمت خاص الهی محروم می‌شوند و باید پاسخگوی رحمت عام خداوند باشند؛ یعنی برای همه‌ی نعمت‌هایی که دریافت می‌کنند، در قیامت باید پاسخگو باشند. علاوه بر این، هریک از انسان‌های مؤمن یا غیرمؤمن می‌توانند مشمول رحمت الهی شوند؛ از این‌رو، افراد مؤمن خود را همواره نیازمند رحمت الهی می‌بینند. این نوع معناسازی از رحمت موجب می‌شود تا انسان‌ها خود را در جایگاهی مساوی با دیگران ببینند و در نتیجه، بخشش و پذیرش دیگران را تسهیل می‌کند.

عنوان	فراوانی	عنوان	فراوانی
یادآوری مهربانی خداوند	۷۰	بینش‌بخشی ارتباط با ترس و امید	۲۸
بخشش امکانات مادی	۱۳	بینش‌بخشی برگشت خداوند به فرد	۳
سلام دادن	۳	بینش‌بخشی نامهربانی به خاطر رفتار خود فرد	۲
یادآوری ضرر مهربانی زیاد	۴	بخشیدن اهل به مؤمنین	۲
سخت بودن ضرر دیدن انسان‌ها	۱	گوش دادن+تصدیق (پیامبر)	۱
تبدیل گناه به حسنه	۱	وجوب مهربانی	۱
عذاب کفار همراه با دادن فرصت	۱		

جدول ۱. هم‌نشین‌های رحمت در مقوله‌ی راهکارهای خداوند و پیامبر در بخشش رحمت، همراه با فراوانی.

خداوند در هفتاد مورد، مهربانی خود را به انسان‌ها یادآوری می‌کند؛ مانند «نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (حجر، ۴۹). این میزان از فراوانی، نشان‌دهنده‌ی نیاز انسان به یادآوری داشتن پذیرش و مهربانی الهی است. منبعی که او را با همه‌ی نقص و کمال‌ش پذیرفته و استانداردهای روشن و دست‌یافتنی برای رشد ارائه داده است. اگر خطا کند، ابتدا خداوند به سوی او می‌رود، چنانکه می‌فرماید: «... ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه، ۱۱۸). خداوند به فرد، توفیق و هدایت ارزانی می‌دهد تا بدین وسیله موفق به توبه گردد، بار دیگر خدا به سوی او می‌رود تا اینکه گناهان او را بیامرزد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۴۶). اینکه خداوند کدام انسان را مورد بخشش و رحمت خاص خود قرار می‌دهد، سیاق آیات مرتبط با واژه‌ی کلیدی عذاب و

۱- ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

همچنین درخواست‌های الهی برای دریافت رحمت آن را تا اندازه‌ی بسیاری روشن می‌سازند. تجرید راهکارهای بالا در امور انسانی راهگشا هستند. این راهکارها می‌رسانند که والدین نیز می‌بایست مهربانی خود را به فرزندان ابراز دارند. نه تنها فرزندان، بلکه دیگران را با همه‌ی خوبی‌ها و خطاهایشان بپذیرند، نیازهای مادی آنان را تأمین کنند. اگر اشتباه داشتند، گاهی خود به سویشان بروند. علاوه بر این، خداوند در چهار مورد بیان می‌کند که رحمتش را به اندازه‌ی ظرف نیاز و متعادل با توان شناختی فرد ابراز می‌دارد، چنانکه می‌فرماید: «وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلْجُؤُا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (مؤمنون، ۷۵). ابراز مهربانی در جایی که ظرفیت دریافت آن وجود ندارد؛ یعنی فرد مهربانی‌ها را نمی‌بیند و از آنها سوءاستفاده می‌کند، موجب سرکشی و سرگردانی می‌شود (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۱۸). همان‌گونه که مهربانی خداوند متناسب با گام‌های مؤثر فرد ارائه می‌شود، بهره‌گیری از این راهکار در محیط روابط انسانی به‌ویژه در خانواده به این شکل می‌شود که علاوه بر پذیرش و مهربانی اولیه، در برابر گام‌های مؤثر عضو خانواده در جهت اهداف خانواده، بر ابراز مهربانی، حمایت و محبت به او نیز افزوده می‌گردد. راهکارهای جلب رحمت، مقوله‌ی بعدی از هم‌نشین‌های رحمت است که در جدول زیر ترسیم شده‌اند. خداوند در کنار رحمت، برای رشد انسان‌ها، درخواست‌ها و قانون‌هایی تعیین کرده است؛ هراندازه که فرد روی می‌آورد، رحمت الهی نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه آموزش می‌دهد که والدین و مدیران نیز در زندگی، برای رشد افراد تحت کنترل خود، اهداف و خطوط قرمزی داشته باشند که به هر میزان رعایت‌ها بیشتر می‌شود، نمودهای مهربانی نیز بیشتر می‌گردد.

عنوان	فراوانی	عنوان	فراوانی
توبه‌ی واقعی	۳۰	تقاضای بخشش و رحمت	۱۷
ایمان+عمل صالح	۸	اطاعت از خدا و پیامبر	۸
تقوا	۴	انفاق	۴
توکل	۳	استمداد از کتاب الهی	۳
فروتنی برای خدا	۲	جهاد جانی و مالی	۳
بخشش خطای دیگران	۲	نماز و زکات	۲
صبر بر سختی به خاطر خدا	۲	اشتیاق بر خیر	۱
گوش دادن به قرآن	۱	اصلاح‌گری	۱
اصلاح میان مؤمنین	۱	پرهیز از غیبت و بدبینی	۱
احترام به پیامبر	۱	تزکیه	۱
پرهیز از ظلم و قتل	۱	پیشگیری از گناه	۱
فروتنی برای والدین	۱	جستجوی وسیله برای تقرب	۱
قول میسور	۱	سفارش به رحمت	۱

جدول ۲. هم‌نشین‌های رحمت در مقوله‌ی راهکارهای جلب رحمت به همراه فراوانی آنها.

مطابق با جدول بالا، بیشترین کدها در موضوع جلب رحمت و مهربانی الهی، به بازگشت به خدا با توبه‌ی واقعی و درخواست بخشش و رحمت، اختصاص دارند؛ به‌عنوان نمونه می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» (مؤمنون، ۱۱۸). انسان نیازمند خلق شده است و این موجب می‌شود تا فراموشی، غفلت و خطا از او سر بزند و ارتباطش با خداوند، به‌عنوان مهم‌ترین منبع مهربانی و رفع نیازها، ضعیف شود. خداوند راهکار «توبه‌ی واقعی» را قرار داد تا همواره، راه برای بازگشت باز باشد. همچنین راهکار «تقاضای بخشش و رحمت» نشان می‌دهد که دریافت مهربانی‌های خاص الهی، به احساس نیاز و تقاضای فرد برمی‌گردد، به شکلی که به سوی خداوند روی بیاورد و از سبک زندگی گذشته خود بازگردد.

به نظر می‌رسد فراوانی بالای این دو راهکار (۱۷+۳۰) نسبت به بقیه، به این سبب باشد که پذیرش و محبت دیگر افراد، هرچند نیاز انسان است و باید وجود داشته باشد؛ اما به علت اینکه انسان‌ها کمال مطلق نیستند و روزی از این دنیا خواهند رفت و یا اینکه از علم کافی برخوردار نیستند و پذیرش و محبت ایشان ممکن است به‌موقع و به‌اندازه‌ی نیاز فرد ابراز نشود؛ درنتیجه، انسان برای رهایی از اضطراب از دست دادن آنها و اطمینان از دریافت اثبات، به‌موقع و به‌اندازه‌ی پذیرش و محبت، به پذیرش خداوند نیاز دارد، خداوندی که در پذیرش و محبت تمام‌نشده‌ی او همواره باز است. رسیدن به این منبع پذیرش و محبت، حاشیه‌ی امنی برای تأمین این نیاز ایجاد می‌کند. دریافت چنین محبتی به انسان احساس حمایت، معناداری، دل‌بستگی ایمن و امید می‌دهد و در مقابل، از احساس تنهایی، رهاشدگی، وابستگی و پوچی آزاد می‌سازد.

معناشناسی ریشه‌ی «عذب» در قرآن

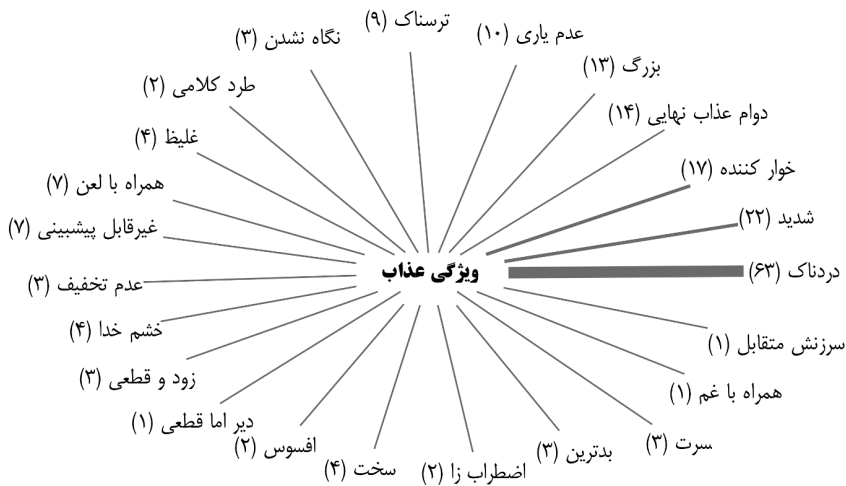
به آب و غذای گوارا یا هر چیز خوشایند «عَذْبٌ» گفته می‌شود؛ مانند «هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ» (فرقان، ۵۳) (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۲). معنای لغوی «عَذْبٌ»، منع خود یا دیگری از خوردن یا دست‌یابی به امر مطلوب است. جایی که انسان یا حیوانی به خاطر تشنگی غذا نمی‌خورد، گفته می‌شود: «عَذَبَ الرَّجُلُ وَالْفَرَسَ». علی^(ع) به لشکریان فرمود که در سفر جنگی، خود را از یاد زنان منع کنید تا سست نشوید: «أَعَذَّبُوا، عَنْ ذِكْرِ النِّسَاءِ، أَنْفُسَكُمْ، فَإِنْ ذَلِكَ يَكْسِرُكُمْ عَنِ الْعَزْوِ». همچنین به نشان دادن عقوبت و جریمه سخت کاری «عذاب» می‌گویند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۸۳)؛ زیرا در عذاب، نوعی منع از امور خوشایند اتفاق می‌افتد (قرشی، ۱۴۱۲، ق، ج ۴، ص ۳۰۸).

ریشه‌ی «عذب» ۳۷۳ مورد و در ۳۳۶ آیه استعمال شده است. از میان آنها ۳۶۰ کد، معنای جریمه‌ی سخت می‌دهند، چنانکه می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا» (اسراء، ۵۷). در ۱۴ آیه، رحمت و عذاب برابر هم قرار گرفته‌اند، همچنان که در ۱۲ آیه، عذاب مقابل مغفرت آمده است. تقابل انواع گوناگونی دارد که تقابل میان «رحمت» و «عذاب» از نوع تقابل مدرج^۱ است. جایی که مفاهیم

1- Gradable opposition/antonymy

واژگانی در دو انتهای طیفی از مفاهیم مربوط به هم، اما درجه‌بندی شده قرار گیرند، این شکل از تقابل دیده می‌شود؛ مثلاً «کوتاه‌ترین» در مقابل «بلندترین» (پالم، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷). مسیر تقابل تدریجی «عذاب» با «رحمت» به این شکل است که فرد ممکن است درجات مختلفی از نافرمانی را داشته باشد، با توبه و بازگشت حقیقی به سوی خداوند، از سوی وی بخشیده و پذیرفته شود. هرچه این بازگشت با افکار و اعمال صالح بیشتری همراه باشد، مغفرت و رحمت بیشتری را جلب می‌کند و بخشش و مهربانی خداوند را به دنبال دارد، چنانکه می‌فرماید: «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (غافر، ۷). این آیات، تقابل مدرج را نشان می‌دهند که یک سوی آن مهربانی و رحمت با مصادیق نمودار یک قرار دارند و در سوی دیگر، جریمه‌هایی به شکل عذاب با ویژگی‌های زیر قرار دارند.

عذاب و جریمه‌های الهی خاصیت بازدارندگی دارند؛ زیرا مطلوب انسان نیستند و در همه‌ی آنها، قاطعیت در برخورد و دور بودن از رحمت الهی وجود دارد. در نمودار زیر ویژگی‌های عذاب و جریمه‌ی الهی آمده است.



نمودار ۵. هم‌نشین‌های «عذب» در مقوله‌ی ویژگی‌های عذاب الهی.

نمودار بالا نشان می‌دهد که عذاب الهی، جریمه‌هایی با ویژگی کلی ضدیت با نیازها و خواست‌های انسانی است. انسان از درد گریزان است و مواجهه با آن، سبب سلب امنیت جانی از او می‌شود؛ همچنین انسان در جست‌وجوی احترام است؛ ولی کسانی که در قیامت جریمه می‌شوند، در معرض تحقیر قرار می‌گیرند؛ اما یکی از سخت‌ترین شکل‌های «عذاب»، احساس رهاشدگی از منبع رحمت و مهربانی است که با ویژگی‌های خشم، لعن، یاری و حمایت نکردن، نگاه نشدن و طرد کلامی خود را نشان می‌دهند. این موارد نشان می‌دهند که یکی بارزترین شکل‌های «عذاب»، احساس رهاشدگی از منبع رحمت است. با توجه به اینکه مهربانی‌های مادی و معنوی

از مصادیق «رحمت» بودند، به نظر می‌رسد تقابل واژه‌ی کلیدی «عذاب» با «رحمت» به همین علت باشد. همانندی عذاب با احساس دوری در دعای علی^(ع) این چنین آمده است: «فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي صَبْرْتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۰۸).
در غالب موارد، هم‌نشین‌های «عذاب»، چرایی شمول عذاب را بیان می‌کنند. جدول زیر کدگذاری علل عذاب شدن به همراه بسامد آنها را بیان می‌کنند.

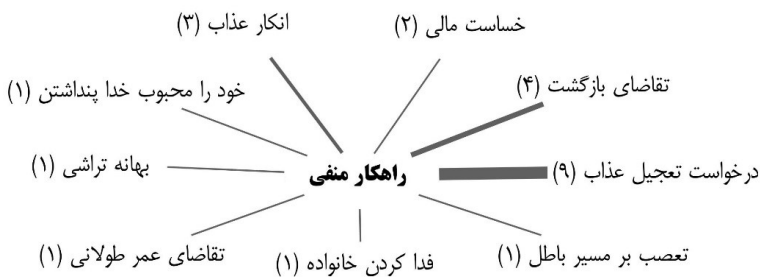
عنوان	فراوانی	عنوان	فراوانی
کفر و نفاق	۹۵	طغیان + ظلم	۳۲
عدم اطاعت از خدا یا پیامبر	۱۶	تکذیب حق	۱۵
استکبار	۸	سد راه خدا	۸
جرم و گناه	۷	روی برگرداندن	۶
مکر	۵	ضرر مالی به دیگران	۴
تغییر راه خدا	۴	عاجز کردن دین	۴
گمراهی	۴	دنیاگرایی و غرور	۳
تمسخر دین	۳	فساد	۳
جنگ با دین	۲	اذیت پیامبر	۲
قتل پیامبر	۲	قتل و اخراج مؤمنین	۲
دوستی با شیطان	۲	اسراف + عدم ایمان	۲
دروغ بر خدا	۲	تمسخر دین و مؤمنین	۱
دوستی منافقان با دشمنان	۱	تهمت به افراد پاک‌دامن	۱
اشاعه‌ی فحشا	۱	پیروی از بزرگان باطل	۱
تخلف از وعده‌ی الهی	۱	حسادت به پیامبران و کفر	۱
بیماری قلبی	۱	اراده بر گمراهی	۱
تعصب به دین گذشتگان	۱	ایمان نداشتن به آخرت	۱
گمراهی از راه خدا	۱	فراموشی روز قیامت	۱
درخواست لواط	۱		

جدول ۳. هم‌نشین‌های «عذب» در مقوله‌ی علت عذاب الهی، همراه با فراوانی.

بافتی که ریشه‌ی «عذب» در آن قرار گرفته است، در غالب موارد، علت عذاب را بیان می‌کند. موارد بالا خطوط قرمز الهی هستند که تجاوز به آنها، فرد را از رحمت الهی دور می‌سازد. مهم‌ترین قانون یا خط قرمز خداوند، کفر و ناسپاسی نعمت‌های اوست که در ۹۵ کد، جریمه‌ی این عمل، «عذاب» الهی عنوان شده است. این مطلب نشان می‌دهد خداوند می‌خواهد انسان‌ها، مهم‌ترین حقیقت هستی یعنی خالقیت خداوند را باور داشته و مهربانی‌هایش را دیده و قدردان آنها باشند. در فضای تربیتی، این قانون نشان می‌دهد که متربیان به شکلی جهت‌دهی شوند تا

کسانی را بشناسند که به ایشان مهربانی دارند و هراندازه والدین مهربان باشند، آن را بپذیرند و قدردانی کنند.

ظلم، خط قرمز دیگری است که سبب مواجهه با عذاب و دوری از رحمت می‌شود. منظور از ظلم در این آیات، بی‌عدالتی و فساد در زمین و همچنین ایمان نداشتن به خدا است، چنانکه در آیه‌ی زیر، ایمان و عمل صالح، مفهوم مقابل «ظلم» قرار گرفته است: «قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا وَ أَمَا مَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا...» (کهف، ۸۸) (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۰۱). هنگامی که کفار و منافقین با تهدید جرمه و عذاب روبرو می‌شوند، برخی به جای اصلاح مسیر، از روی عقیده نادرست خویش، درخواست تعجیل در عذاب دارند و هنگامی که با عذاب روبرو می‌شوند، تقاضای بازگشت دارند تا فرصت دوباره‌ای برای اصلاح بیابند. نمودار زیر سایر راهکارهای منفی ایشان را نشان می‌دهد.



نمودار ۶. هم‌نشین‌های «عذب» در موضوع راهکارهای منفی.

انکار وجود جرمه و بهانه‌تراشی، از دیگر راهکارهای مقابله‌ای ناکارآمد کفار و منافقین است تا از مسئولیت‌پذیری مسیرهای رشدی دوری کنند که خداوند در نظر گرفته است. همچنین اصرار و تعصب بر افکار باطل نیز موجب دوری از رحمت الهی و مواجهه با عذاب است. در برابر این رفتارهای مقابله‌ای و اصرار بر شکستن خطوط قرمز و تجاوز از قوانین الهی، خداوند راهکارهای رشدی زیر را به کار می‌گیرد تا آنان را از پیمودن مسیر اشتباه بازدارد.

ردیف	عنوان	ردیف	عنوان
۸	اتمام حجت	۱۰	عذاب دنیایی برای کفار
۴	ترس و دوری مؤمنین از عذاب	۷	تذکر به رویارویی با جریمه
۴	دو برابر شدن عذاب برای برخی اعمال	۴	تذکر به حتمی بودن عذاب
۴	عذاب نتیجه خطا	۴	حذف نکردن بی‌علت عذاب
۳	شکر برای رفع عذاب	۳	اجازه‌ی بهره‌وری از دنیا
۳	عذاب دنیایی برای بازگشت	۳	نپذیرفتن توبه هنگام عذاب
۲	استغفار مؤمنین	۲	استدراج
۲	تهدید به عذاب آخرت	۲	برخورد سخت با کفار
۲	جابجا شدن زمان عذاب	۲	تهدید به عذاب دنیا
۲	منتقل ندادن جریمه	۲	زمان مشخص برای عذاب
۱	اصل بر رحمت نه عذاب	۲	جریمه‌ی مشروط به توبه نکردن
۱	توصیه به انجام عمل صالح	۲	دادن فرصت برگشت
۱	توصیه به عمل به اوامر و نواهی	۱	توصیه به توبه و تسلیم
۱	حمایت و آرامش بخشی به مؤمنین	۱	جریمه به‌اندازه‌ی خطا
۱	دادن فرصت تصمیم‌گیری	۱	بودن با نبی برای رفع عذاب
۱	سریع بودن	۱	سخت‌گیری در اجرای جریمه
۱	جابجا نکردن جریمه	۱	استثنا نداشتن در عذاب
		۱	قدرت بر انواع عذاب

جدول ۴. هم‌نشین‌های «عذب» در مقوله‌ی راهکارهای رشدی، همراه با فراوانی.

مهم‌ترین راهکار رشدی خداوند، برای اینکه افراد با «طرد» و «عذاب» رویرو نشوند، بینش‌بخشی و تذکر نسبت به آن است. آیاتی که از عذاب الهی صحبت می‌کنند، به این واقعیت اشاره دارند که انسان‌ها مراقب مواجهه با جریمه و حالت رهاشدگی از مهم‌ترین منبع مهربانی باشند: «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نوح، ۱). این تذکرها بیش از سیصد مورد در واژه‌ی کلیدی عذاب تکرار شده است.

راهکار اصلاح‌گرانه‌ی دیگر این است که خداوند در دنیا، جریمه‌هایی را به اجرا می‌گذارد تا تذکر مهمی باشد که افراد را از مسیر اشتباه بازگرداند، هرچند برخی از این تذکرها بهره نمی‌گیرند: «وَلَقَدْ أَخَذْنَا لَهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» (مؤمنون، ۷۶). در نتیجه، جریمه‌ها و مشکلات دنیوی جنبه‌ی اصلاحی دارند (البته باید عذاب استیصال را از عذاب‌های اصلاحی جدا کرد). این موضوع نشان می‌دهد که والدین یا مدیران نیز می‌بایست جریمه‌ها را به قصد اصلاح به کار ببرند و نه اینکه برای فرونشاندن خشم‌های خود از آنها بهره بگیرند.

قرار دادن مجازات‌های سخت و دردناک به منظور اصلاح یا پیشگیری از افکار و رفتار ظالمانه و بازگشت آنها به سوی حق است. اگر فرد یا افرادی از مسیر اشتباه بازگردند، رحمت الهی چنان وسعت دارد که پذیرش الهی شامل آنان می‌شود، همچنان که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (بروج، ۱۰). این آیه، ستمگرانی را توصیف می‌کند که مؤمنین را مورد شکنجه و قتل قرار می‌دادند و بیان می‌کند که اگر آنان نیز خالصانه برمی‌گشتند، پذیرفته می‌شدند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۶، ص ۳۴۴). بالاتر از ایشان، چنانچه افراد خطاکاری حتی مانند فرعون نیز از مسیر اشتباه برمی‌گشتند و راه اصلاح را در پیش می‌گرفتند، آنان نیز پذیرفته می‌شدند: «أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه، ۴۳-۴۴). هرچند خداوند به علم خود می‌داند که فرعون نخواهد پذیرفت؛ اما با این کار، نهایت پذیرش خود را نشان می‌دهد (همان، ج ۱۸، ص ۲۱۳؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۱۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۱۷۰). این مطلب نشان می‌دهد که انسان‌ها نیز خط قرمزهای منطقی و روشنی داشته باشند و در صورتی که افراد به قصد اصلاح روی می‌آورند، اصل را بر پذیرش حداکثری قرار دهند.

از راهکارهای دیگر رشدی خداوند در مواجهه با افراد خاطی این است که درخواست توبه و بازگشت ایشان را در لحظه‌ی آخر، یعنی هنگام مواجهه با جریمه، قبول نمی‌کند؛ چنانکه می‌فرماید: «وَكَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كَفَارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء، ۱۸). برخورد قاطع با افراد خطاکار موجب می‌شود تا جریمه برای دیگران، خاصیت بازدارندگی داشته باشد و آنان را از پیمودن راه خطا بازدارد. علاوه بر این، خطاکاران را از امید واهی توبه در لحظه آخر بیرون می‌آورد و همچنین اقتدار جریمه‌کننده را نشان می‌دهد.

با رسیدن زمان جریمه، جای هیچ‌گونه بحث، مهلت یا تخفیف نیست. در این هنگام، جریمه به میزان خطا، بدون اضافه یا کاسته شدن اجرا می‌شود: «وَإِذَا رَأَىٰ الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» (نحل، ۸۵). چانه‌زنی یا درخواست تخفیف و مهربانی بی‌مورد، از راهکارهای منفی خطاکاران است که اقتدار والدین و مدیران را کاهش می‌دهد. این آیات، اقتدار را آموزش می‌دهند، به این شکل که پس از اجرای همه‌ی راهکارهای پیشگیری‌کننده، در هنگام رویارویی با جریمه، وارد چرخه‌ی معیوب والد یا مدیر ضعیف نشوند و فرد خاطی را با پیامد انتخاب‌های خود روبرو سازند.

نکته‌ی مهم دیگری که از جدول بالا برداشت می‌شود این است که با سنجیدن وزن روش‌های رشدی، از میان روش‌های مبتنی بر مهربانی یا جریمه‌محور، وزن بیشتر به روش‌های مبتنی بر مهربانی و گذشت اختصاص دارد. خداوند اصل را بر رحمت قرار می‌دهد. با مهربانی و «فضل» خود، موارد نقص را کامل می‌کند و با «مغفرت» خطاها را نادیده می‌گیرد تا انسانی که با نقص و خطا خلق شده، توان پیمودن مسیر رشد خود را داشته باشد. چنانکه در این باره می‌فرماید: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور، ۱۴). این نکته‌ی مهم نشان می‌دهد که والدین و مربیان نیز اصل را بر راهکارهای مبتنی بر مهربانی

و پذیرش قرار دهند و بیشتر، چهره‌ای مهربان از ایشان دیده شود، هرچند راهکارهای مبتنی بر جریمه نیز وجود دارند و نوعی اقتدار و ترس را نشان می‌دهند.

همان‌طور که در واژه‌ی کلیدی رحمت، بیشترین رحمت برای پیامبران و پیامبر اسلام^(ع) بوده، در موضوع «عذاب» نیز بیشترین انتظارات، مسئولیت‌ها و به دنبال آن در صورت خطا، جریمه‌های سخت‌تر نیز برای ایشان است؛ زیرا نعمت بیشتری به ایشان داده است. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (حاقه، ۴۴-۴۷). پس از پیامبران، همسران ایشان، حاکمان، عالمان و آنان که افکار مردم را جهت‌دهی می‌کنند، مسئولیت بیشتری دارند. قرآن جریمه خطای زنان پیامبر را دو برابر توصیف می‌کند؛ مانند احزاب، ۳۰؛ و یا درباره‌ی کسانی که مدیریت جامعه یا افکار عمومی را به عهده دارند و مردم را از راه درست بازمی‌دارند نیز تعبیر دو برابر شدن عذاب را می‌آورد؛ مانند هود، ۲۰؛ و همچنین حاکمان (شوری، ۴۲). این افراد به سبب نعمت‌ها و مسئولیت‌هایی که دارند، پاسخگویی بیشتری نیز از آنان انتظار می‌رود.

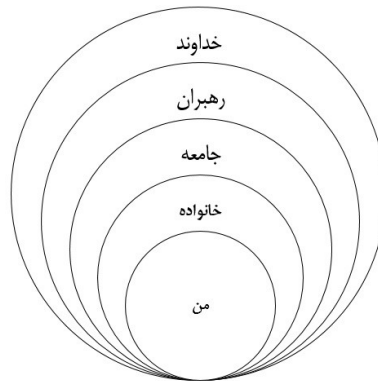
نکته‌ی مهم بعدی، مفعول «عذاب» است. افرادی شامل عذاب می‌شوند که قدرت تفکر و تصمیم‌گیری دارند؛ بنابراین، در فضای تربیتی، خطوط قرمز به‌اندازه‌ی توان ذهنی و بدنی افراد تنظیم می‌شود و جریمه تجاوز از آنها نیز با توجه به ظرفیت روانی آنان اعمال می‌شود؛ در نتیجه، کودکان همواره موردپذیرش قرار می‌گیرند و جریمه‌ی طرد برای سنین بالاتر و بسیار با ظرافت به کار گرفته می‌شود.

نتیجه

هدف اصلی این پژوهش، بررسی قرآنی مفهوم پذیرش در واژه‌ی کلیدی «رحم و عذب» بود. تحقیق حاضر برای این هدف، به تعداد ۲۰۷۵ کد برای رحمت و ۹۷۸ کد برای عذاب رسید. از میان آنها، ۵۴۰ کد در معنای پذیرش آمده و ۳۶۰ کد در ریشه «عذب» چارچوب پذیرش را مشخص کرده‌اند. فراوانی بالای واژه‌ی کلیدی «رحمت» نسبت به واژگان هم‌خانواده مانند «محبت، مودت، رأفت، خلت و غیره»، اهمیت این مفهوم را در نگاه قرآنی نشان می‌دهد. بررسی واژه‌ی کلیدی مقابل یعنی عذاب نیز نشان داد که پذیرش و مهربانی خداوند مبتنی بر چارچوبی مشخص و منطقی است که رعایت آن، رشد و کمال انسان را تضمین می‌کند. فراوانی کاربرد «رحمت و عذاب»، نشان‌دهنده‌ی اهمیت مفهوم پذیرش و قانون در دائره‌المعارف الهی است. بسامد بالای کاربرد یک واژه نزد متکلم یا متکلمین در یک مجموعه دانش، جغرافیا و یا فرهنگ، اهمیت و نیازمندی آن واژگان را نشان می‌دهد. با مقایسه‌ی فراوانی و اهمیت نیاز به پذیرش با دیگر نیازها، جایگاه هریک قابل‌تشخیص می‌شود. فراوانی ۹۰۰ کد در این دو واژه، اهمیت و بنیادین بودن این نیاز را نشان می‌دهد. بررسی بالا درباره‌ی پذیرش الهی به این نتیجه رسید که خداوند با پذیرش حداکثری، هرکسی که خالصانه را به او روی بیاورد، می‌پذیرد. پذیرش در این سطح، هیچ شرطی ندارد جز اینکه طرف مقابل دشمنی نداشته باشد. با توجه به اینکه پذیرش بدون هیچ شرطی

منجر به آسیب می‌شود، پذیرش الهی همانند دیگر پذیرش‌ها، مبتنی بر چارچوب‌های روشن، منطقی و رشددهنده است. هرچه روی آورنده نزدیک‌تر بیاید، انتظارات بیشتر می‌شود و در کنار آن، پذیرش و سپس «محبت» بیشتری دریافت می‌کند. در نتیجه، واژه‌ی کلیدی «رحمت» به مفهومی پایه‌ای پذیرش اشاره دارد که از دیگر واژگان کلیدی این حوزه‌ی معنایی مانند «محبت»، رأفت، مودت و غیره» متفاوت است.

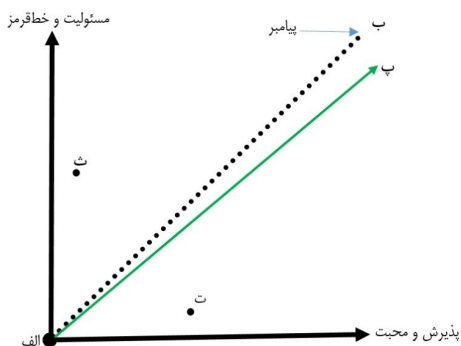
در پاسخ به پرسش فرعی پژوهش درباره‌ی منابع، ویژگی‌ها و راهکارهای پذیرش الهی، نتایج ذیل به دست آمده است: مقوله‌بندی رحمت در یافته‌های پژوهش نشان داد که در قرآن کریم، سطوح مختلفی از پذیرش را برای انسان به عنوان منابع تأمین‌کننده‌ی این نیاز در نظر گرفته شده است. این سطوح در نمودار زیر طراحی شده است. فراگیرترین پذیرش و رحمت به خداوند، همچنان که خود را «ارحم الراحمین» خوانده است. سپس پیامبر (ص) و رهبران جامعه اسلامی اختصاص دارد و ایشان نیز کسانی را می‌پذیرند که خالصانه و بدون قصد دشمنی به ایشان روی آورند. در سطح بعدی، خداوند پذیرش حداکثری را در جامعه ترویج می‌کند و جامعه‌ای متحد با توان بخشندگی بالا و قواعد ارتباطی مشخص و روشن را هدف‌گذاری می‌کند. همچنین در سطح خانواده، نزدیک‌ترین پذیرش و مهربانی بر هر «من» ارائه می‌شود تا کودکان و همسران بتوانند با خطاپوشی و مهربانی به یکدیگر، آرامش و امنیت عاطفی بیشتری را تجربه کنند. به این ترتیب هر «من»‌ی غرق در سطوح مختلف پذیرش و مهربانی خواهد بود، البته در چارچوبی منطقی و منطبق بر رشد حقیقی انسان که این چارچوب‌ها در هم‌نشین‌های ریشه‌ی «رحمت و عذاب» آمده‌اند.



نمودار ۷. سطوح پذیرش در قرآن.

خداوند، مهربانی‌ها و نعمت‌های مادی و معنوی متعددی برای افراد بشر تدارک دیده است در مقابل، هراندازه میزان آنها افزایش می‌یابد، مسئولیت‌ها و خطوط قرمز بیشتری نیز تعیین می‌کند که این موضوع بیشتر با واژه‌ی کلیدی عذاب به تصویر کشیده شده است. تحلیل تعامل رحمت و عذاب به نوعی انسان‌سازی خداوند منتج می‌شود که مطابق با نمودار زیر، میان پذیرش و انتظار مسئولیت تعادل وجود دارد و این تعادل، حالت ثباتی را در روان انسان ایجاد می‌کند. این موضوع

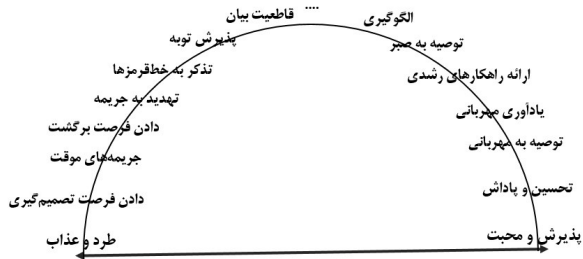
در ادبیات پیامبر و اهل بیت^(ع) با عنوان «خوف و رجاء» تعبیر شده است، چنانکه می‌فرماید: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَجْتَمِعُ فِي قَلْبِهِ خَوْفٌ وَرَجَاءٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۹۰). قرآن کریم آموزش می‌دهد که انسان‌ها می‌بایست ارتباطی توأم با ترس و امید داشته باشند؛ یعنی بر اساس نمودار، روی نقطه چین «الف-ب» قرار داشته باشند. تحقیق حاضر خروج از این اعتدال را اختلال در سبک تربیتی و مدیریتی صحیح برمی‌شمارد؛ مانند اینکه فردی با دریافت مهربانی زیاد در نقطه‌ی «ت» قرار بگیرد یا اینکه به فردی خط قرمزهای زیاد و سخت‌گیری شود و در نقطه‌ی «ث» قرار بگیرد. درجه‌بندی‌های رحمت و عذاب نشان می‌دهد که بالاترین رحمت و بیشترین مسئولیت از رسول گرامی اسلام^(ص) انتظار می‌رفته است و به تدریج، با توجه به ظرف روانی هر فرد، به همان میزان رحمت بخشیده شده و در مقابل، از او مسئولیت انتظار می‌رود. در نتیجه، آن حضرت در میان انسان‌ها، همان‌طور که نمودار زیر نشان می‌دهد، در منتهی‌الیه ترس و امید قرار دارند.



نمودار ۸. تعامل «رحمت» و «عذاب».

با توجه به اینکه اصل تربیتی خداوند بر رحمت بیشتر است و نمود جلوه‌ی رحمانی خداوند بیش از روش‌های مبتنی بر جریمه است، خط فرضی «الف-ت» به نمودار افزوده می‌شود؛ یعنی در روش‌های تربیتی می‌بایست از روش‌های مبتنی بر پذیرش بیشتر استفاده شود. به این موضوع در منابع روایی نیز اشاره شده است، چنانکه امام حسین^(ع) در وصف خداوند می‌فرماید: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۶۱).

نتیجه‌ی دیگری که از تحلیل راهکارهای مطرح‌شده از دو ریشه می‌توان ارائه داد، این است که آنها چنانکه نمودار زیر نشان می‌دهد، به‌صورت طیفی از راهکارها قابل‌طرح هستند؛ یعنی اینکه مجموع راهکارهای ارائه‌شده در این میدان معنایی، هرکدام برای نوع خاصی از رفتار فرد و جایگاه روان‌شناختی فرد طرح می‌شوند. برخورد قهرآمیز با کسی که در مسیر رشد قرار دارد، اصلاح‌کننده نیست و برعکس، نمی‌توان با راهکارهای مبتنی بر رحمت، با کسی برخورد کرد که خطاهای متعددی را مرتکب شده است.



نمودار ۹. طیف راهکارها.

نمودار بالا نشان می‌دهد که برای پذیرش و مهربانی، راهکارهای زیادی وجود دارد و بیانگر این مطلب است که هنگام رویارویی با مشکلات، طرد و جریمه اولین راهکار نیست. برخی در مواجهه با امور نامطلوب، عجلانه از طرد و اعمال جریمه‌های متنوع حتی شدید، به‌عنوان راهکارهای اولیه استفاده می‌کنند. از مطلب بالا برداشت می‌شود که پیش از آن می‌توان راهکارهای متنوعی را برگزید تا حد امکان، ارتباط با دیگران که مهم‌ترین سرمایه انسان است، حفظ گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، بیروت، دارالاصدار، ۱۴۱۴ ق.
- امانی، احمد؛ باقر ثنائی، ذاکر؛ نظری، علی محمد؛ نامداری، پژمان مهدی؛ «اثر بخشی دو رویکرد طرح‌واره درمانی و دل‌بستگی درمانی بر سبک‌های دل‌بستگی در دانشجویان مرحله عقد»؛ مشاوره روان‌درمانی خانواده، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.
- اعرافی، علیرضا؛ تربیت فرزند با رویکرد فقهی؛ تحقیق از سید نقی موسوی؛ اشراق، ۱۳۹۵ ش.
- بازرگان، عباس؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق کیفی؛ چاپ سوم، تهران، دیدار، ۱۳۹۳ ش.
- برک، لورا؛ روان‌شناسی رشد؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ چاپ چهارم، تهران، ارسباران، ۱۳۹۰ ش.
- پروچاسکا جیمز؛ نورکراس، جان؛ نظریه‌های روان‌درمانی؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی؛ ویراست ششم، تهران، روان، ۱۳۹۱ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ ادب فنای مقربان؛ محقق محمد صفائی؛ نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸ ش.
- جوهری، اسماعیل‌بن حماد؛ الصحاح فی لغة العرب؛ تحقیق احمدبن عبدالغفور عطار؛ چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷ ق.
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی؛ «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»؛ اندیشه‌ی مدیریت راه‌بردی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۸۶ ش.
- دائمی، فاطمه؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ «تأثیر سبک والدینی و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران بر حرمت خود کودکان»؛ علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۹۰ ش.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- ری‌شهری، محمدی، محمد؛ تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث؛ ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی؛ قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷ ش.
- شفیق‌آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا؛ نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی؛ تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ ش.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی؛ نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی تهران؛ روانی، ۱۳۸۹ ش.
- صدوق، ابن بابویه؛ محمدبن علی؛ من‌لایحضره الفقیه؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ قم، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه‌ی محمدباقر موسوی؛ قم، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴ ش.
- علی‌گلی، جعفر؛ صفورایی، محمد مهدی؛ قائمی‌نیا، علیرضا؛ «نیاز اولیه انسان به احترام از نگاه قرآن با تأکید بر روش معناشناسی ساخت‌گرا و شناختی»؛ پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۸، شماره ۳۱، ۱۳۹۶ ش.
- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ ۱۰ جلد، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ ۱۴ جلد، تهران، نشر فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
- مفید، محمدبن محمد؛ المزار- مناسک المزار؛ محقق محمدباقر ابطحی؛ قم، کنگره جهانی هزاره شیخ

مفید- رحمة الله عليه، ۱۴۱۳ ق.

- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
- یانگ، جفری؛ کلوسکو، ژانت؛ ویشار، مارجوری؛ طرح‌واره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)؛ ترجمه‌ی حسن حمیدپور و زهرا اندوز؛ تهران، ارجمند، ۱۳۹۱ ش.
- یانگ، جفری و دیگران؛ طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی؛ ترجمه‌ی حسن حمیدپور؛ تهران، ارجمند، ۱۳۸۶ ش.
- Amadi, Chinedum, Clinician, Society and Suicide Mountain: Reading Rogerian Doctrine of Unconditional Positive Regard (UPR), psychological thought, Vol 6, No 1, 2013.
- Bernard, M. E. (Ed). The strength of self-acceptance: Theory, practice and research. New York, NY, US: Springer Science & Business Media, 2013.
- Hayes, s. & pankey, j. Psychological acceptance. In o'donohue, j. e. fisher, & s. c. Hayes (eds.), cognitive behavior therapy: applying empirically supported techniques in your practice of. New York: Wiley, 2003.
- Lakoff. George and Johnsen. Mark, Metaphors we live by. London: The university of Chicago press, 2003.
- Langacker, Ronald W. Cognitive Linguistics: Basic Reading, Ed. Dirk Geeraerts, Cognitive Grammar Introduction to Concept, Image, and Symbol, Cambridge: Cambridge University press, 2006.

